

اقتصاد مقاومتی و تولید و اشتغال ملی

دکتر فردین باتمانی - ساناز حاج حسنی

استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج - کردستان - ایران

fardinb2000@yahoo.com.au

دانشجو دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج - کردستان - ایران

s_h_1981@yahoo.com

مقدمه:

افزایش جمعیت کشور در دهه گذشته به دلیل سیاست های تشویقی دولت در دوران جنگ تحمیلی، افزایش عرضه نیروی کار در مقابل تقاضا و ناتوانی نظام اقتصادی برای ایجاد ظرفیت مناسب برای ایجاد فرصت های شغلی باعث شده است تا موضوع اشتغالزایی برای تحصیل کرده ها به مهم ترین موضوع مورد بحث در برنامه های توسعه کشور تبدیل گردد.

بیان مسأله:

موضوع اشتغال و دستیابی افراد به شغل مورد نظر از اساسی ترین نیازهای جامعه محسوب می شود در جهان بینی اسلامی، عملی شدن نیازهای جسمی و عقلی و رشد و شکوفایی استعداد های فطری و درونی شخصیت انسانی بسته به کار و تلاش و فعالیت اوست، بطوریکه فرد تنها با تمسک به کار و تلاش، قادر خواهد بود، تکامل فردی و معنوی خویش را در تعالی زندگی اجتماعی خود، نقش موثر و سازنده ای را ایفا می کند.

فرایند پذیرش فرد در جامعه ی نیز معمولاً بر محور شغل او گردش می کند همچنین جایگاه و منزلتی که فرد در جامعه به دست می آورد هم مستقیماً در رابطه با نقش شغلی اوست. در واقع کار منبع اقتصادی برای کسب درآمد برای افراد است به علاوه میزان اعتماد به نفس فرد در بسیاری از موارد در رابطه با میزان موفقیت او در شغل و چگونگی مناسبت شغل، با سایر ویژگی های او برقرار می گردد. وقتی یک جوان از خودش سوال می کند که «من چکاره ام»، اگر جواب مناسبی نیابد، اعتماد به نفس او رو به ضعف می رود.

عنوانها:

۱. تعریف اشتغال

۲. عامل ایجاد بحران بعد از انقلاب

۳. کارنامه اشتغالزایی دولتها

۴. عوامل ناموفق بودن فارغ التحصیلان در بدست آوردن شغل

۵. نداشتن برنامه ریزی اصولی علوم وزارت

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

از مهم ترین مباحث جوامع بشری جهان امروز، مسئله مبادرت ورزیدن به کاری مفید برای افراد آن جامعه است. شغل مرتبط با توانایی ها و استعداد های ذاتی هر فرد، امری است که هر شخص لزوماً با آن در زندگی روزمره مواجه خواهد شد، کشور ایران نیز از این امر مستثنی نبوده است. به ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز که تا سال ۱۳۶۷ سیاست افزایش جمعیت به دلایل استراتژیک منطقه ای مطرح بود به گونه ای که در جنگ عراق علیه ایران و افزایش تعداد تلفات و کشته های جنگ شاهد میزان باروری بالایی در خانواده هایی ایرانی بودیم که این افزایش تعداد فرزندان در خانواده ها، باعث شد عرضه نیروی کار در چندین سال بعد از جنگ تحمیلی بروز و ظهور داشته باشد و مسائل گریبانگیر و مبتلا به خود را به وجود آورد.

همچنین به منظور افزایش توانمندی و سطح ارتقای علمی این نسل جوان و ایجاد وقفه ای موقتی جهت حل معضل بیکاری، افزایش تعداد دانشگاه ها و پذیرش دانشجویان در دستور کار قرار گرفت که از چندین بعد قابل بررسی و تأمل است. از یک سو به صورتی کوتاه مدت، مسئله اشتغال زایی جوانان کمرنگ شد و این نیروی عظیم جوان در دانشگاه ها مشغول به تحصیل شدند و از طرف دیگر بعد از گذشت چندین سال، کشورمان شاهد عده بالای جوانان تحصیل کرده با توقعات بالا جهت اشتغال در فرصت های شغلی متناسب با شأن شان بود مورد پسند و علاقه فرد واقع گردد یا چیزی خارج از انتظارات او باشد.

رشد بالای جمعیت در ایران به ویژه در طی سال های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷ می باشد. در طی این سال ها، این رشد سالانه ای بالغ بر ۳/۹ درصدی را تجربه کرد که این امر باعث افزایش بیش از پیش جمعیت جوان و جویای کار در سال های کنونی شده است اما اندیشه های از قبل تعریف شده چه بود.

پایین بودن رشد اقتصادی کشور، عامل مهم دوم در بالا بودن میزان بیکاری در ایران عنوان شده است. برای جذب تمامی متقاضیان که هر سال وارد بازار کار می شوند لازم است رشد اقتصادی ایران حداقل به هشت درصد برسد. برای کاهش میزان بیکاری به زیر ده درصد نیز لازم است اقتصاد ایران رشد ۹/۵ درصدی را تجربه کند. این در حالی است که اقتصاد ایران در طی چهار سال گذشته که بهترین موقعیت را سپری کرده است به طور متوسط رشد ۵/۴ درصدی را شاهد بوده است.

تعریف اشتغال:

اشتغال تعاریف متعددی ارائه شده و از دیدگاه های مختلف (اجتماعی، سیاسی و مدیریتی) به این موضوع نگریسته شده است.

اشتغال را در یک جمله به معنی «عوامل تولید یا ظرفیت های موجود» می داند (رق، ۲۰۰۰:۲۰). تعریف از دیدگاه مدیریتی برای اشتغال عبارت است از «بکارگیری منطقی نیروهای متخصص و کارآمد در مشاغل مختلف و تطبیق آنها با پست های تخصصی به نحوی که نیل به اهداف سازمانی را برای ما امکان پذیر سازد.

در تعریفی دیگر از اشتغال کامل و ناقص صحبت می شود که اشتغال کامل به معنای احراز اشتغال اقتصادی توسط تمامی افراد فعال است و زمانی تحقق می پذیرد که تمامی افراد واجد شرایط کار، مفروض به داشتن فعالیت باشند، و اشتغال

بهائش ملی اقتصاد معاومتی "جالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

ناقص به معنی استفاده نارسا از ظرفیت کار است، که این نوع اشتغال هم از فرونی نیروی انسانی کشاورزی نسبت به زمین وقوع کار و هم از نارسایی تجهیزات اساسی که موجبات افزایش کار را فراهم می کند، منبث می شوند (س، ۱۰۹۰:۴۲).

مرکز آمار ایران در نظام آمارگیری خود مشاغل را این گونه تعریف کرده است که همه افراد ده ساله و بیشتر که حداقل ۵ ساعت در هفته کار کرده است، شاغل محسوب می شود. پس همه فعالیت هایی که به درآمد و پاداش و دستمزد منجر شود چه از طریق مشاغل تخصصی و رسمی باشد و کارهای غیر رسمی مانند کاسبی و... در مورد کار و اشتغال صدق می کند و اساساً در طبقه بندی های اشتغال از نظر اقتصادی، اصطلاح «شغل کاذب» وجود ندارد اما از نظر جامعه شناسی که بیشتر به هنجارها و ناهنجارها و بررسی زمینه ها و علل پدیده های اجتماعی می پردازد، مفهوم کار، اشتغال و بیکاری، معانی دیگری به خود می گیرد، با این دید، کار و اشتغال به معنی فعالیت هایی اند که از ثبات و پایداری بیشتری برخوردارند، بنابراین بر فعالیت هایی که مطابق با هنجارهای اجتماعی نیست مثل قاچاق فروشی و...، یا آنچه مورد رضایت فرد نیست و کفایت اقتصادی او را نمی کند، چون از ثبات و دوام برخوردار نیست، نمی توان شغل و کار نامید و از آنها به عنوان «شغل کاذب» یاد می کنند.

بحران بزرگ، بیکاری تحصیل کرده ها:

میزان بیکاری افراد تحصیل کرده، حداقل دو برابر میزان بیکاری عمومی جامعه ایرانی است. آماري که در پایان هر ترم تحصیلی بر ارقام آن افزوده می شود، رقم هایی که به دست اندرکاران هشدار می دهد که در عین بالا بردن ظرفیت دانشگاه ها، تدبیری نیز برای افزایش فرصت های شغلی بیندیشند. کارشناسان معتقدند برای کاهش میزان رشد بیکاری در کشور بر رشد اقتصادی هشت درصدی در سال نیازمندیم. همچنین به جای سوق دادن سرمایه کشور به صنایعی چون نفت و گاز، پتروشیمی و... باید به پروژه های اشتغال زایی و کارآفرینی توجهی جدی شود.

ضمناً عملکرد نامطلوب دستگاه های آموزشی و پرورشی در تربیت نامناسب نیروی ماهر و کارآزموده باعث شده تا بسیاری از فارغ التحصیلان دانشگاه ها به مشاغل کاذب روی آورند و همین امر تجدیدنظر و اصلاح ساختاری در آموزش و پرورش را به امری ضروری بدل کرده است. ارتقای کیفیت آموزش از جهت دیگری هم الزامی است، چرا که برخی از تحصیل کردگان دانشگاهی بدون آن که دانش و مهارت کیفی به دست آورند، به خیل بیکاران پرتوقع می پیوندند.

شاید بتوان گفت نظام آموزش عالی در بیشتر کشورهای دنیا یکی از دو قطب تعلیم و تربیت است که مسئولیت تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآمد مورد نیاز جامعه را در سطح و رشته های مختلف برعهده دارد اما براساس آمارهای موجود می توان گفت نظام آموزش عالی کشور ما نتوانسته است به خوبی از عهده این مسئولیت برآید و سال هاست که مسئولان کشور با این مشکل دست و پنجه نرم می کنند.

بسیاری از صاحب نظران براین عقیده اند که جذب فارغ التحصیلان دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی کشور در بازار کار منوط به داشتن توانایی و ویژگی هایی است که بخشی از آنها در طول دوران تحصیل در دانشگاه و البته بخش عمده تری از آن در جریان کار کسب می شود از سوی دیگر، نبود توازن بین آنچه در قالب رشته های تحصیلی مختلف در دانشگاه ها آموزش داده می شود با مهارت و توانایی های مورد نیاز، بازار کار، مهم ترین عامل موفق نبودن فارغ التحصیلان کار

همایش ملی اقتصاد معاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

کاریابی محسوب می شود. علاوه بر این مورد، برخی از عوامل که خارج از حوزه فعالیت و کنترل نظام آموزش عالی است، چون رواج نیافتن فرهنگ کارآفرینی و کم بودن تعداد کارآفرینان، بی تحرکی کانون های فارغ التحصیلان و ناکارآمدی آنها در کاریابی و هدایت شغلی، وجود مشکلات اجرایی در پیاده کردن سیاست ها و برنامه های کلان اشتغال کشور و... نیز بر اشتغال فارغ التحصیلان تأثیر می گذارد.

هفتصد و پنج هزار بیکار تحصیل کرده:

تعداد کل دانشجویان دانشگاه ها و موسسات عالی در سال ۱۳۵۷ حدود ۱۷۵ هزار و ۶۷۵ نفر بود. این آمار در سال گذشته به حدود یک میلیون و هشتصد هزار نفر افزایش یافت. گرچه این رشد در نگاه اول خوشحال کننده است، اما در حال حاضر بین نظام آموزشی و بازار کار کشور به لحاظ کیفی و کمی ارتباط منطقی وجود ندارد.

میزان بیکاری دانش آموختگان آموزش عالی طی سال های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ بیش از پنج برابر صعود کرده و از چهار درصد به ۲۰/۹ درصد رسیده است. این در حالی است که تا پایان امسال، تعداد بیکاران دیپلم در کشور به یک میلیون و ۵۸۰ هزار نفر می رسد و فراوانی افراد تحصیل کرده بیکار به ۷۰۵ هزار نفر خواهد رسید که به عبارتی این افراد بیکاران فوق دیپلم، لیسانس و بالاتر خواهند بود.

براساس پیش بینی ها از مجموع بیکاران دو میلیون و ۹۲۰ هزار نفر به مدت یک سال یا بیشتر از بیکاری شان گذشته است که این آمار ترسیم گر بحران بیکاری و نشان دهنده جنبه آسیب رسان آن در سال های آتی است.

امسال میزان بیکاری کشور معادل ۱۲ و در سال ۸۶ برابر با ۱۲/۵ درصد خواهد بود که این شاخص با تداوم روند رو به رشد خود طی سالهای ۸۷، ۸۸ و ۸۹ به ترتیب به ۱۳، ۱۳/۴ و ۱۴ درصد و در سال ۹۰ میزان بیکاری معادل ۱۵ درصد برای کشور به ثبت خواهد رسید که با توجه به رشد هر ساله شمار راه یافتگان به مراکز آموزش عالی پیش بینی می شود، طی یکی دو سال آینده تعداد بیکاران تحصیل کرده از مرز یک میلیون تجاوز کند.

آمارها و پیش بینی ها، بیانگر میزان زیاد اهمیت و لزوم اشتغال زایی به ویژه پاسخگویی به نیاز شغلی فارغ التحصیلان دانشگاه هاست.

از این رو شورای عالی جوانان، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، شورای عالی اشتغال و وزارت کار و امور اجتماعی را موظف به کاهش میزان بیکاری جوانان از ۲۵ درصد به ۱۲/۵ درصد تا پایان برنامه چهارم توسعه (سال) ۸۸ کرده است.

مرتضی پرهیزگار، رئیس سازمان همیاری اشتغال فارغ التحصیلان دانشگاه ها در خصوص معضل اشتغال فارغ التحصیلان دانشگاه ها می گوید: ابعاد مشکل بیکاری به ویژه برای جوانان تحصیل کرده در کشور گسترده بوده و در مقابل، امکانات لازم برای مهار آن در اختیار متولیان امور اشتغال وجود ندارد یکی از علل مشکل بیکاری در کشور، نبود برنامه ریزی اصولی برای هدایت صحیح کارآفرینان است.

هم اکنون کشور ما به لحاظ مهارت ها، سرمایه ها، انگیزه ها و فرصت های شغلی مشکل چندانی ندارد اما گسترش اشتغال به برنامه ریزی و حمایت مسئولان نیازمند است.

بمایش ملی اقتصاد و معاومتی "جالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

ضروری است تا با فعال کردن بخش های کارآفرینی با هدف و تعریف مشاغل جدید، ضمن ایجاد و اشتغال به نیازهای جامعه پاسخ کافی داده شود. همچنین وزارت علوم، تحقیقات و فناوری باید طرح توسعه کارآفرینی با هدف هدایت اصولی نیروهای مولد به سمت بازار کار را در اولویت کاری خود قرار دهد.

بررسی اجمالی کشورهای صنعتی نشان می دهد که بخش عمده ای از برنامه های آموزشی دانشگاه ها در این کشورها به آموزش کارآفرینی اختصاص دارد.

وجود بیش از پنجاه دانشگاه در آمریکا، ۴۲ دانشگاه در آلمان، ۱۳ دانشگاه در لهستان، هشت دانشگاه در سوئد و... که در آنها کارآفرینی و مدیریت واحدهای کوچک اقتصادی تدریس می شود، حاکی از درک نقش کارآفرینی و اهمیتی است که در این کشورها برای کارآفرینان در فرآیند توسعه اقتصادی قائل می شوند. در ایران نیز طی سالهای اخیر نسبت به ایجاد مراکز کارآفرینی در تعدادی از دانشگاه ها اقدام شده که به جز چند دانشگاه مابقی فعالیت چندانی نداشته اند که این امر حکایت از توفیق نیافتن دولت در فرهنگ سازی در این زمینه دارد.

بنابراین برای فراگیر شدن فرهنگ کارآفرینی، باید تغییراتی در سیستم آموزشی و محتوای دروس مدارس و دانشگاه ها داده شود و افرادی در رأس امور قرار گیرند که علاقه مند به ایجاد و توسعه فعالیت های تولیدی بوده و شرایط مناسب را برای ظهور کارآفرینان فراهم کنند.

نقدهایی بر افزایش فارغ التحصیلان با ایجاد اشتغال

در خصوص بیکاری افراد تحصیل کرده آرای مختلفی وجود دارد، گروهی این معضل را به گردن وزارت علوم می اندازند و ورود بی حد و حصر دانشجو به دانشگاه ها را تقبیح می کنند، از سویی، عده ای نیز مشکل را در نداشتن توانایی در ایجاد اشتغال ارزیابی می کنند. (م ب) معتقد است: نباید به دنبال کاهش میزان فارغ التحصیلان باشیم، بلکه باید زمینه های اشتغال را برای فارغ التحصیلان فراهم کنیم. وی به دو دیدگاه در ارتباط با این بحث اشاره می کند و می گوید:

۱. یک دیدگاه معتقد است که اگر ما نیازی به نیروی کار نداریم، پس ورودی های دانشگاه ها را کاهش دهیم و عده ای دیگر نیز معتقدند که اگر به خاطر نبودن شغل، افراد را از تحصیلات بالاتر محروم کنیم، تنها پیامد آن این است که این بیکاران چهار سال زودتر به این عرصه می رسند و به جای اینکه لیسانس بیکار داشته باشیم دیپلم بیکار داریم.

وی ادامه می دهد: هر چقدر نیروی انسانی تحصیل کرده ما بیشتر باشد، ذهن خلاق برای حل مشکلات کشور بیشتر است. مشکلات کشور ما در حال حاضر ناشی از کمبود منابع مالی نیست، بلکه مربوط به فقدان برنامه ریزی درست است. اگر برنامه ریزی مناسب وجود داشته باشد، دانشجویان می توانند در آینده بازدهی فراوانی برای کشور داشته باشند. براساس مطالعات انجام شده جمعیت جوان و فعال کشور تا سال ۱۴۰۰ به ۶۱ میلیون نفر می رسد، یعنی جمعیت جوان ۵/۲ درصد رشد خواهد داشت. پس سطح اشتغال نیز باید رشدی معادل ۵/۲ درصد در سال داشته باشد تا وضعیت فعلی حفظ شود.

یعنی تا سال ۱۴۰۰ باید ۲۹ میلیون فرصت شغلی ایجاد شود. البته در برنامه سوم توسعه ایجاد حدود چهار میلیون فرصت شغلی پیش بینی شده اما نکته ای که در این میان خودنمایی می کند این است که بین تعداد فرصت های شغلی تخصصی ایجاد شده در جامعه و تعداد فارغ التحصیلان تناسبی وجود ندارد.

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

۲. فقدان ارتباط نزدیک بین دانشگاه ها و بخش های مختلف جامعه سبب شده که بین ظرفیت پذیرش دانشجو و تقاضای بازار به نیروی متخصص تناسب وجود نداشته باشد که علت آن عدم هماهنگی و انسجام در تصمیم گیری بین نظام آموزش عالی با سایر بخش های جامعه به دلایلی چون نبود آمار واقعی، فقدان نگرش استراتژیک در بخش های دولتی و خصوصی، ناتوانی مدیران در طرح ریزی و برآورد احتیاج نیروی انسانی براساس استراتژی های کلان توسعه، اجرایی نکردن برنامه های میان مدت و بلندمدت جذب، اجرای سلیقه ای سیاست ها و خط مشی ها و تغییر در برنامه های تدوین شده پس از هر تغییر در مدیریت هاست.

در عین حال با وجود همه این مشکلات باز هم شاهد هستیم که دفتر گسترش آموزش عالی نیز در صورت تأمین امکانات و استاد توسط مقامات محلی، بدون در نظر گرفتن وضعیت اشتغال در آینده برای ایجاد رشته تحصیلی مجوز صادر می کند. البته با توجه به فلسفه وجودی دانشگاه ها که ارتقای سطح علمی و تغییر در نگرش و بینش عمومی مردم و تأمین نیازهای جامعه به نیروی متخصص است، توسعه آموزش عالی دارای توجیه است اما فارغ التحصیلان انتظار دارند که با گرفتن مدرک تحصیلی شرایط اشتغال آنان فراهم شود.

یکی از مهمترین هدف های نظام آموزشی فراهم کردن امکان ارائه آموزش متناسب با مهارت های شغلی مورد نیاز جامعه است. بنابراین، در طراحی آن، عوامل مهمی چون شرایط و ویژگی های داوطلبان، محتوای دروس، تسهیلات و تجهیزات مورد نیاز، روش های تدریس و... مدنظر قرار می گیرند. به هنگام طراحی مشاغل، شرح شغل و شرایط احراز (که تعیین کننده ویژگی های رفتاری، توانایی و مهارتهایی هر شغل است) تنظیم می شود. این مهارت ها شامل مهارت فنی، مهارت انسانی، مهارت ادراکی، آشنایی با رایانه و... و همچنین داشتن توانایی های ذهنی، فیزیکی و سطح تحصیلات و ویژگی های رفتاری چون شخصیت، نوع نگرش و ارزش های فردی نیز مطرح است.

(ع ک) کارشناس ارشد آموزشی معتقد است: در حال حاضر، در آموزش عالی ما، تحصیلات برای فرد، توان یا استعداد بالقوه ای است که قابلیت اجرایی چندانی ندارد. این در حالی است که فارغ التحصیلان برای صعود به قله اشتغال به مهارت نیز نیاز دارند.

وی بازبینی در سرفصل های دروس دوره های آموزشی و تنظیم آنها براساس اطلاعات علمی و عملی مورد نیاز رشته ها و زمینه های شغلی مرتبط با رشته تحصیلی مورد نظر و ایجاد هماهنگی و همسویی بین سرفصل دروس با شرایط احراز مشاغل مورد نظر را ضروری می داند.

از سویی شاهد هستیم بسیاری از رشته های تحصیلی در دانشگاه ها که بیش از همه مشمول رشته های گروه علوم انسانی است، عملاً در جوامع توسعه نیافته و در حال توسعه ای چون ایران فاقد کارایی است و بیشتر فارغ التحصیلان این رشته هیچ گاه برای استفاده از علم خود مجال تجربه عملی نمی یابند و اکثراً در صورت یافتن کار در مشاغل دیگر فعال می شوند.

جواد فرشباغی ماهرویان، معاون سیاستگذاری اشتغال و برنامه ریزی منابع انسانی وزارت کار و امور اجتماعی، بحث اشتغال و بیکاری را چالش اقتصادی ایران در دهه هشتاد می داند، وی با بیان این که کشور در زمینه جذب فارغ التحصیلان

دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها"

فعالیت مناسبی ندارد، می گوید: میزان بیکاری افراد تحصیل کرده حداقل دو برابر میزان بیکاری عمومی جامعه است و این نشان می دهد، هر چند فارغ التحصیلان دارای سواد هستند ولی سواد آنها مناسب بازار کار نیست.

فرشایف با اشاره به تغییر در نظام آموزشی کشور برای ایجاد تناسب میان عرضه و تقاضای نیروی کار ادامه می دهد: در این راستا تفاهم نامه ای میان وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت علوم به امضا خواهد رسید که حداقل سه واحد درسی کارآفرینی در برخی از رشته ها در یک ترم تحصیلی، به بحث کسب و کار اختصاص پیدا کند. افزایش سطح ارتباط بین صنعت و دانشگاه باعث رشد اشتغال در کشور خواهد بود.

۳. بی انگیزگی دانش

بسیاری از دانشجویان معتقدند که روحیه علمی و انگیزه کافی ندارند و معمولاً به جای توجه به ارتقای سطح علمی خود فقط به ارتقای سطح تحصیلی (اخذ مدارج بالاتر) می اندیشند.

حسین سرمد، استاد مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی می گوید دانشگاه ها باید به فراخور تغییر شرایط سنی، سطح اجتماعی و انتظارات جامعه از دانشجویان و همچنین تأثیراتی که حضور در مراکز علمی در روند زندگی دانشجویان می گذارد.

شیوه آموزشی و تربیتی ارائه کنند که در دانشجویان انگیزه و روحیه علمی ایجاد شود. بنابراین وزارت علوم باید ضمن انجام اقدامات بنیادی در خصوص تغییر در شیوه آموزش سنتی موجود، در جذب استادان، افرادی که دارای روحیه علمی و دانش پژوهی هستند را در اولویت قرار دهد.

۴. سیاست های کلان اشتغال کشور

ارزیابی برنامه های اشتغال زایی دولت های گذشته در ایران نشان می دهد به رغم تلاش و جدیت آنها در تدوین برنامه های بلندمدت اشتغال، این برنامه ها مانند سایر برنامه های اقتصادی - اجتماعی در اجرا با مشکلات متعددی مواجه بوده است.

اما مشکل بزرگتری که وجود دارد این است که براساس قانون از برنامه پنج ساله دوم، دولت ها مکلف به کوچک کردن خود بوده اند که به نوبه خود قانون خوبی است. به عبارتی ممنوعیت استخدام، مانع به کارگیری افراد جایگزین از بین فارغ التحصیلان می شود.

با فرض اینکه این قانون را اصلاح کنیم یا بتوانیم به ازای افراد بازنشسته، فارغ التحصیلان را به کار گیریم باز هم فقط برای ۱۰۰ هزار نفر از فارغ التحصیلان کار دولتی وجود دارد و برای ۲۶۰ هزار نفر بقیه باید به فکر کار مولد در بخش خصوصی باشیم.

طبق گزارش روزهای اخیر مرکز آمار ایران، در سال ۷۲ کشور همچنان با حدود ۲/۵ میلیون بیکار مواجه بوده است که بخش قابل توجهی از آنها را نیز جوانان فارغ التحصیل دانشگاهی تشکیل داده به صورت کلی مسئله بیکاری و اشتغال جوانان و عملکرد دولت های نهم و دهم در یکی دو سال پایانی فعالیت این دولت مورد انتقادات و اظهارنظرهای فراوانی قرار گرفت تا جایی که برخی کارشناسان اقتصادی و بازار کار و این اواخر حتی مرکز آمار ایران نیز با ارائه گزارش های،

دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

همایش ملی اقتصاد معاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها"

ادعاهای مطرح شده در دولت های نهم و دهم درباره موفقیت چشمگیر در ایجاد اشتغال را زیر سوال بردند و این کشمکش تا واپسین روزهای فعالیت دولت سابق نیز ادامه داشت.

متأسفانه هیچگاه به صورت مشخص روشن نشد که آیا ادعای ایجاد ۹ میلیون فرصت جدید شغلی عنوان شده از سوی مقامات دولت سابق درست بود و یا اظهارنظرهای اقتصاددانان و کارشناسانی که در این رابطه سخن گفتند.

ادعای ایجاد ۹ میلیون فرصت شغلی

اما باقی ماندن نرخ بیکاری، ثابت ماندن و بلکه بیشتر شدن تعداد بیکاران در سال پایانی فعالیت دولت سابق نسبت به ابتدای شروع به کار دولت های نهم و دهم و پذیرفتن اشتغال زایی میلیونی از سوی جامعه، نشان داد که واقعیت برخلاف ادعاهایی بود که از سوی دولتمردان سابق کشور ارائه می شد و بازار کار همچنان با مسائل بسیار پیچیده و کاستی های جدی روبرو است.

البته ذکر این نکته نیز لازم است که آمار ۲/۵ میلیون بیکار در سال گذشته تنها با تعریف ۱ ساعت کار در هفته (تعیین مرز بیکاری و اشتغال تنها با اندازه گیری اینکه آیا فردی در طول هفته توانسته است یک ساعت کار داشته باشد و یا خیر؟)، ارائه شده است.

طی ماه های گذشته و از زمان آغاز به کار دولت یازدهم نیز با وجود ارائه برخی وعده ها و اظهارنظرهای مقامات جدید دولتی کشور درباره وضعیت بیکاری و اشتغال در کشور، اما هنوز طرح مشخص و یا روش روشنی برای اشتغال زایی و حل معضل بزرگ بیکاری جوانان به ویژه قشر فارغ التحصیل دانشگاهی ارائه نشده است.

هنوز دولت مشخصاً به راهکار روشنی درباره نحوه مهار بیکاری نرسیده و تنها از لزوم انجام برخی اقدامات سخن گفته می شود. هرچند دولت در ماه های گذشته تا حدود قابل قبولی توانسته جلوی رشد افسار گسیخته تورم و قیمت ها را بگیرد، اما هنوز در زمینه اشتغال موفق به آغاز طرحی عملی برای حل معضل بیکاری نشده است.

هر چند اشتغال زایی موضوعی نیست که بتوان با دستور و صدور بخشنامه و به صورت یک شبه به آن دست یافت، اما لازم است تا دولت هر چه سریعتر و به صورت فوریت راهکارهای روشنی را در این زمینه ارائه و عملیاتی کند.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی اظهار داشت: تقویت مدیریت و سیاستگذاری بازار کار، بهبود نظام اطلاعات بازار کار، حمایت مالی از طرح های اقتصادی بخش خصوصی و تعاونی، پایدارسازی کسب و کارهای خُرد، کوچک و متوسط، اقتصادی، حمایت های فنی و حقوقی از بنگاه های اقتصادی بخش خصوصی و تعاونی، توسعه مشاغل خانگی، خوداشتغالی و کسب و کارهای خُرد، افزایش انعطاف در بازار کار، ساماندهی اشتغال اتباع خارجی، ساماندهی و توسعه اشتغال ایرانیان خارج از کشور، از جمله راهکارهایی است که مدنظر قرار دارد.

وی راه اندازی سامانه ملی کارایی ها، تکمیل زنجیره ارزش کسب و کار، تهیه طرح تقویت و توسعه مراکز مشاوره و کلینیک های کسب و کار، اجرای طرح تأمین مالی خُرد، تشکیل ستاد هماهنگی اشتغال روستایی به منظور ساماندهی اشتغال روستائیان، تعیین و توزیع استانی حجم تسهیلات مورد نیاز بنگاه های کوچک و متوسط اقتصادی، تأمین تسهیلات قرض الحسنه مورد نیاز مشاغل خانگی و طرح های خوداشتغالی و کسب و کار خُرد را از دیگر برنامه ها عنوان کرد.

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

در این راستا به برنامه ریزی هایی برای ایجاد فرصت های شغلی تا پایان سال ۷۲ صورت گرفت و مبلغی بالغ بر ۶ هزار و ۷۹ میلیارد ریال اعتبار برای پرداخت به طرح های اقتصادی و ایجاد مشاغل کوچک و خانگی در نظر گرفته شد. همچنین با توجه به رقم بی سابقه ۴/۵ میلیون افراد مشغول به تحصیل در دانشگاه ها، بیکاری پنهان جوانان تحصیل کرده به عنوان مهمترین معضل آتی اقتصاد ایران، یعنی تدارک دولت برای اشتغال بیش از ۹ میلیون جویای کار است، که در این راستا نیز برنامه هایی در نظر گرفته شده است.

براساس این گزارش، عزم دولت یازدهم بر مهار تورم و خروج از رکود است که به جهت دشواری نیاز به تدبیر بالایی هم دارد.

در چنین شرایطی بر افزایش اشتغال در کشور از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، تلاش خواهد شد تا با بازگرداندن رونق به تولید و نیز افزایش سرمایه گذاری خارجی قدری از نگرانی ها نسبت به رشد بیکاری درک شور کاسته شود. البته گذشته از وجود حدود ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار بیکار در کشور مطابق گزارش مرکز آمار طی سال های آتی بازار کار با هجوم فارغ التحصیلان دانشگاهی بازار کار نیز مواجه خواهد شد.

صدور مجوز برای مشاغل خانگی و ارائه تسهیلات به متقاضیان این گونه مشاغل به عنوان راهکاری برای مبارزه با بیکاری است. همچنین برنامه ریزی هایی در خصوص توسعه اشتغال جوانان در حوزه های IT و صنعت گردشگری انجام شده است. همچنین در بخش بازار کار هم چند اقدام زیر ساختی انجام شده است از جمله بسترهای ایجاد بانک اطلاعات کارآفرینان فراهم شد و نیز شبکه ملی بازار کار که در واقع بانک جامع اطلاعات و آمار بازار کار است، در حال تکمیل و راه اندازی است.

تهیه اطلس مشاغل استان ها و شهرستان ها نیز اقدامی دیگر در راستای برآورد دقیق در اشتغال زایی در سطح کشور است. استفاده از صنعت گردشگری در ایجاد اشتغال صورت گرفته است، نشان می دهد که با توجه به درصد بالای بیکاری در بین جوانان تحصیل کرده و عادی و جاذبه جهانگردی (جاذبه ی تاریخی، فرهنگی، تمدن کهنسال، موقعیت خاص جغرافیایی، تنوع زیست محیطی و داشتن طبیعی چهار فصل) که از این لحاظ ایران جزء ۱۰ کشور مهم و نخست جهان قرار داده است، می توان از این صنعت در ایجاد اشتغال و کسب درآمد و حتی جایگزینی صنعت نفت استفاده نمود.

کارنامه اشتغالزایی در دولت ها:

آمارها نشان می دهد در دولت های گذشته، سالانه در حدود ۹۰ هزار نفر به تعداد جمعیت شاغل در اقتصاد کشور افزوده شده و دولت قبل، بدترین کارنامه اشتغالزایی را از سال ۱۰۵۵ به بعد داشته است.

مروری بر آمارهای منتشر شده از سوی نهادهای رسمی کشور، نشان می دهد در فاصله سال های ۱۰۵۵ تا ۱۰۶۵، جمعیت شاغلان ایران به حدود ۱۱ میلیون نفر رسیده است این روند به این معنا است که در این سال ها، به طور متوسط سالانه ۲۲۵ هزار نفر شاغل جدید وارد اقتصاد ایران شده است. این در حالی است که در این سال ها، اقتصاد ایران با چالش های بزرگی مثل تغییر سیستم اداری با وقوع انقلاب و نیز درگیر شدن در یک جنگ تحمیلی همراه بود. در دوره بعدی یعنی در فاصله سال های ۱۰۶۵ تا ۱۰۹۵ نیز، میزان شاغلان موجود در اقتصاد کشور به حدود ۱۴/۷ میلیون نفر رسید. این آمار حاکی از

همایش ملی اقتصاد معاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

این است که در این دوره، به طور متوسط سالانه در حدود ۱۰۰۰۰ هزار نفر شاغل جدید به مجموعه افراد دارای شغل در اقتصاد کشور افزوده شده است.

در این دوره که بخش عمده ای از آن را سال های دولت موسوم به سازندگی در بر می گیرد، عمدتاً اقتصاد ایران درگیر بازسازی خسارت های ناشی از جنگ، تلاش برای گذار از اقتصاد دولتی به اقتصاد خصوصی و تأمین بخشی از زیرساخت های بزرگ برای ایجاد رونق اقتصادی در آینده بود. گزارش های رسمی که در سال های گذشته منتشر شده حاکی از این است که در دوره بعد یعنی در فاصله سال ۱۰۰۴ تا ۱۰۹۶، جمعیت شاغل موجود در اقتصاد ایران از حدود ۱۴/۰ میلیون نفر در سال اول دولت اصلاحات، به حدود ۲۰/۶ میلیون نفر در سال پایانی این دولت رسید.

براساس آمار موجود طی دوره اصلاحات، سالانه در حدود ۹۲۶ هزار نفر به تعداد افراد شاغل موجود در اقتصاد کشور افزوده شده است. این میزان، بی سابقه ترین عملکرد اشتغالزایی در اقتصاد ایران بوده است. این در حالی است که دولت اصلاحات، بیش از هر چیز با محوریت توسعه سیاسی روی کار آمده بود و منتقدان نیز، این دولت را به بی توجهی به وضعیت اقتصادی متهم می کردند.

در دوره بعدی، یعنی دولت هشت ساله محمود احمدی نژاد، وضعیت اشتغال در کشور روند معکوسی را طی کرد و حتی کارنامه این دولت در ایجاد اشتغال، از کارنامه اشتغالزایی دوره ۱۰ ساله ۱۰۵۵ تا ۱۰۶۵ که اقتصاد ایران درگیر انقلاب و جنگ بود نیز منفی تر بوده است. براساس آمارهای رسمی مرکز آمار، در فاصله سال های ۱۰۰۴ تا ۱۰۷۱ تنها در حدود ۹۰ هزار نفر در سال به تعداد شاغلان افزوده شده است. این کارنامه در شرایطی به دست آمده که این سال ها با بیشترین درآمدهای نفتی نیز همراه بود و اقتصاد در شرایطی به دولت نهم تحویل داده شد که برخلاف دولت های قبلی، بسیاری از زیرساخت ها آماده شده بود و رشد اقتصادی نیز در سال های نزدیک به ۱۰۰۴، به ارقام کم سابقه بالای هشت درصد دست یافته بود.

با این حال کارنامه دولت های نهم و دهم در اقتصاد، چیزی به جز رکود و بیکاری را نشان نمی دهد.

آمارها حاکی از این است که با توجه به رقم متوسط گفته شده، در کل این هشت سال نزدیک به ۶۲۰ هزار نفر شغل جدید به اقتصاد ایران اضافه شده است، یعنی عملکرد این دولت در هشت سال اشتغالزایی، از عملکرد یکساله دولت اصلاحات (۹۲۶ هزار شغل) نیز کمتر بوده است.

رکود بیکاری زنان :

آمار اشتغالزایی در دولت های مختلف پس از انقلاب در حالی از سوی «دنیای اقتصاد» منتشر می شود که آخرین گزارش مرکز آمار ایران از وضعیت بیکاری و اشتغال در کشور نیز نشان می دهد که ۴ میلیون و ۰۰۲ هزار و ۷۹۰ نفر از کل جمعیت ۱۰ ساله بیشتر فعال اقتصادی کشور در تابستان امسال، «زنان» بوده اند. به عبارتی، آمارهای دولتی می گوید: «بیش از ۴/۰ میلیون زن هم اکنون در بازار کار ایران مشغول به فعالیت هستند.»

خبرگزاری مهر که این خبر را منتشر کرده اضافه کرده است: «بیشترین تعداد زنان شاغل در بخش خدمات با یک میلیون و ۶۷۲ هزار و ۱۹۹ نفر به ثبت رسیده است و پس از آن ۵۰۰ هزار و ۶۹۷ نفر در بخش کشاورزی و ۵۰۰ هزار و ۲۰۶ نفر نیز

پایش ملی اقتصاد مقاومتی "جانشما، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

در بخش صنعت حضور دارند. به بیان دیگر، خدمات بیشترین تعداد زنان شاغل کشور را در خود جای داده و سهم بخش صنعت حتی از کشاورزی نیز پایین تر است.»

همچنین بنابراین آمار، ۱۶ درصد از زنان در هفته ۴۷ ساعت و بیشتر از آن اشتغال دارند که به معنای اضافه کاری و تمایل به دریافت های بیشتر از بازار کار ایران است. از آن سو، ۷۰۴ هزار و ۷۱۰ درخواست شغل برای زنان نیز در تابستان امسال به ثبت رسیده که نشان دهنده درخواست شغل حدود یک میلیون زن اغلب فارغ التحصیل دانشگاهی در حال حاضر است. با وجود نرخ بیکاری ۱۰/۴ درصدی عمومی در تابستان امسال، نرخ بیکاری زنان ۱۵ ساله و بیشتر معادل ۲۱/۲ درصد بوده است. بدترین نرخ بیکاری زنان در گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ ساله و به عبارتی مهم ترین گروه متقاضی کار به میزان ۴۵/۰ درصد وجود دارد که در این گروه سنی ۴۱۰ هزار و ۴۴۲ نفر زن بیکار وجود دارد. همچنین زنان بین سنین ۱۵ تا ۲۷ ساله کشور حدود ۴۲ درصد بیکاری دارند که وجود نرخ بیکاری بسیار بالا نشان دهنده اوضاع بسیار نامناسب در بازار کار زنان است. بررسی از وضعیت متقاضیان شغل مرد و زن در تابستان امسال نشان می دهد که به ازای هر ۱/۰۲ مرد متقاضی شغل، یک زن متقاضی کار بوده است و این موضوع نشان دهنده نگاه حدی و رقابت تنگاتنگ آنان با مردان برای دستیابی به فرصت های شغلی در بازار کار کشور است. بنابراین به ازای حدود هر ۲ مرد بیکار یک زن بیکار نیز تقضای ورود به عرصه کار و اشتغال داشته است.

جذب فارغ التحصیلان دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشر در بازار کار منوط به داشتن توانائیهها و ویژگیهایی است که بخشی از آنها می بایست در طول دوران تحصیل در دانشگاه ایجاد گردد. به نظر می رسد عدم تناسب بین فرایندها و مواد آموزشی رشته های تحصیلی موجود در دانشگاهها با مهارتها و توانائیههای مورد نیاز بازار کار، مهمترین عامل موفق نبودن فارغ التحصیلان در کاریابی و اشتغال است. علاوه بر این مورد، برخی از عوامل بیرونی که خارج از حوزه فعالیت و کنترل نظام آموزش عالی است نیز بر اشتغال فارغ التحصیلان تأثیر بسزایی دارند.

نیازهای مهارتی نیروی انسانی مورد نیاز بازار کار از دو بعد عوامل بیرونی و درونی مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

عوامل درونی:

فرایندها و راهبردهایی هستند که در نظام آموزش عالی به کار گرفته می شوند و به طور مستقیم یا غیرمستقیم با مقوله اشتغال و کاریابی فارغ التحصیلان ارتباط دارند. مهمترین این عوامل عبارتند از:

۱. عدم تناسب بین ظرفیت فعلی پذیرش دانشجو در دانشگاه و نیازهای آتی بازار کار
۲. عدم تناسب بین محتوای آموزش با مهارتهای شغلی
۳. عدم توفیق دانشگاهها در ایجاد و تقویت روحیه علمی و انگیزه خدمت رسانی به جامعه در دانشجویان
۴. مشخص نبودن حداقل قابلیت های علمی و عملی برای فارغ التحصیل شدن
۵. عدم آشنایی اعضای هیأت علمی با فرایند و نحوه انجام امور در واحدهای تولیدی و خدماتی مرتبط با رشته تحصیلی فارغ التحصیلان
۶. فقدان زمینه مناسب برای آموزشهای علمی و کاربردی

بهائش ملی اقتصاد معاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها"

۷. ناکارآمدی اعضای هیأت علمی در تربیت نیروی کار متخصص مورد نیاز جامعه

۸. مطرح نبودن مسائل علمی و پژوهشی به عنوان اولویت اول در دانشگاهها

عوامل بیرونی :

شامل کلیه مواردی می شوند که بر اشتغال فارغ التحصیلان به طور مستقیم و غیرمستقیم تأثیر گذاشته و مانع از جذب آنها در بازار کار می گردند. این عوامل عبارتند از:

۱. رواج نیافتن و مشخص نبودن فرهنگ کاریابی

۲. عدم توسعه بنگاههای کاریابی خصوصی

۳. عدم توسعه کانونهای فارغ التحصیلان و ناکارآمدی آنها در کاریابی و هدایت شغلی

۴. تعدد متقاضیان و رقابت شدید برای کسب مشاغل موجود

۵. رواج نیافتن فرهنگ کارآفرینی و کم بودن تعداد کارآفرینان

۶. وجود مشکلات اجرایی در پیاده کردن سیاستها و برنامه های کلان اشتغال

دانشگاهها و مراکز آموزش عالی عهده دار رسالتهایی چون تولید دانش، تربیت نیروی متخصص مورد نیاز جامعه، گسترش فناوری، نوآوری و خلاقیت هستند و امروزه صاحب نظران معتقدند دستیابی به توسعه پایدار فقط در سایه به کارگیری دانش روز و فناوری پیشرفته حاصل می شود. بنابراین، برای قرار گرفتن در جاده توسعه و جلوگیری از عقب ماندگی باید شرایطی فراهم شود که دانشگاهها بتوانند دانشجویان را برای به کارگیری فناوری جدید و پذیرش مسئولیتهای مختلف درس طرح سازمان و جامعه پرورش دهند. در این مقاله به منظور بحث و بررسی پیرامون چالشها و فرصتهای نظام آموزش عالی در تأمین نیازهای مهارتی نیروی انسانی مورد نیاز بازار کار، عوامل موثر به دو گروه درونی و بیرونی تقسیم می شوند و سپس تریخ جزئیات هر گروه صورت می گیرد.

عوامل درونی :

عوامل درونی فرایندها و راهبردهایی هستند که در نظام آموزش عالی به کار گرفته می شوند و به طور مستقیم یا غیرمستقیم با مقوله اشتغال و کاریابی فارغ التحصیلان ارتباط دارند. مهمترین عوامل درونی در زیر ذکر شده اند.

۱. عدم تناسب بین ظرفیت فعلی پذیرش دانشجو در دانشگاهها و نیازهای آتی بازار کار: براساس مطالعات انجام گرفته جمعیت جوان و فعال کشور تا سال ۱۴۰۰ بالغ بر ۶۱ میلیون نفر می شود و به عبارتی ۵/۲ درصد رشد خواهد داشت. پس سطح اشتغال نیز باید رشدی معادل ۵/۲ درصد در سال داشته باشد تا وضعیت فعلی حفظ شود. یعنی تا سال ۱۴۰۰ در ایران باید ۲۷ میلیون و با توجه به اهمیت موضوع، دولت تدابیری را اتخاذ کرده است. به عنوان مثال، در برنامه سوم توسعه ایجاد حدود چهار میلیون فرصت شغلی پیش بینی شده است. اما نکته ای که در اینجا مورد نظر است عدم تناسب بین تعداد فرصتهای شغلی تخصصی ایجاد شده در جامعه و تعداد فارغ التحصیلان است.

در ایران فقدان ارتباط نزدیک بین دانشگاهها و بخشهای مختلف جامعه موجب شده است که بین ظرفیت پذیرش دانشجو و تقاضای بازار به نیروی متخصص تناسب وجود نداشته باشد که علت آن عدم هماهنگی و انسجام در تصمیم گیری بین نظام

پایش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

آموزش عالی با سایر بخشهای جامعه به دلایلی چون: عدم وجود آمار واقعی، فقدان نگرش استراتژیک در بخشهای دولتی و خصوصی، ناتوانی مدیران در طرح ریزی و برآورد احتیاجات نیروی انسانی براساسن استراتژی های کلان توسعه، عدم اجرای برنامه های میان مدت و بلندمدت جذب، اجرای سلیقه ای سیاستها و خط مشی ها و تغییر در برنامه های تدوین شده پس از هر تغییر در مدیریتهاست.

ضمن اینکه دفتر گسترش آموزش عالی نیز در صورت تأمین امکانات و استاد توسط مقامات محلی و بدون در نظر گرفتن وضعیت اشتغال در آینده برای ایجاد رشته تحصیلی مجوز صادر می کند.

البته با توجه به هدف و فلسفه وجودی دانشگاهها که ارتقا سطح علمی و تغییر در نگرش و بینش عمومی مردم و تأمین نیازهای جامعه به نیروی متخصص است، توسعه آموزش عالی دارای توجیه است. اما فارغ التحصیلان انتظار دارند که با گرفتن مدرک تحصیلی موجبات اشتغال یا تسهیل شرایط اشتغال آنان فراهم آید.

لذا پیشنهاد می شود تدبیری اتخاذ گردد که اولاً ظرفیت پذیرش دانشجو براساس نیاز آینده بازار کار به نیروی متخصص تعیین شود و ثانیاً مجوزهای ایجاد رشته تحصیلی در دانشگاه دائمی نباشد و با تغییر در کیفیت نیازهای جامعه و تخصصهای جدید، مشخصات مجوزهای صادره تغییر یابند.

۲. عدم تناسب بین محتوای آموزش با مهارتهای شغلی: یکی از مهمترین اهداف نظامهای آموزشی جوامع فراهم آوردن امکان ارائه آموزش متناسب با مهارتهای شغلی مورد نیاز جامعه است. بنابراین، در طراحی هر نظام آموزشی اثربخش، عوامل مهمی چون شرایط و ویژگیهای داوطلبان، محتوای درس، تسهیلات و تجهیزات مورد نیاز، روشهای تدریس و غیره مدنظر قرار می گیرند.

از طرف دیگر به هنگام طرحی مشاغل، شرح شغل و شرایط احراز (که تعیین کننده ویژگیهای رفتاری، تواناییها و مهارتهایی هر شغل است) تنظیم می گردد. این مهارتها شامل مهارت فنی، مهارت انسانی، مهارت ادراکی و آشنایی با رایانه هستند. ضمن اینکه داشتن تواناییهای ذهنی، فیزیکی و سطح تحصیلات و همچنین ویژگیهای رفتاری چون شخصیت، نوع نگرش، انگیزش و ارزشهای فردی نیز در اینجا مطرح هستند. مهارتها، استعدادها، بالفعل و تواناییها، استعدادها، بالقوه تلقی می گردند.

در حال حاضر، به آنچه بیان شد بازبینی در سرفصلهای درس دوره های آموزشی و تنظیم آنها براساس اطلاعات علمی (نظری) و عملی مورد نیاز رشته ها و زمینه های شغلی مرتبط با رشته تحصیلی مورد نظر و ایجاد هماهنگی و همسویی بین سرفصل درس با شرایط احراز مشاغل مورد نظر ضروری به نظر می رسد.

عدم توفیق دانشگاهها در ایجاد و تقویت روحیه علمی و انگیزه خدمت رسانی به جامعه در دانشجویان: با توجه به اینکه پایه و اساس دانشگاه را دو عامل مهم و اصلی یعنی دانشجو و استاد تشکیل می دهند علل عدم توانایی دانشگاهها در ایجاد روحیه علمی و انگیزه در دانشجویان را باید در ویژگیهای این دو عامل جستجو کرد.

دانشجویان اکثراً روحیه علمی و انگیزه کافی ندارند و معمولاً به جای توجه به ارتقای سطح علمی خود فقط به ارتقای سطح تحصیلی (اخذ مدارج بالاتر) می اندیشند. لذا دانشگاهها باید به فراخور تغییرات در شرایط سنی، سطح اجتماعی و

پایش ملی اقتصاد مقاومتی "جانشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

انتظارات جامعه از دانشجویان و همچنین تأییراتی که حضور در مراکز علمی در روند زندگی دانشجویان می گذارد، شیوه آموزشی و تربیتی را ارائه کنند که در دانشجویان انگیزه و روحیه علمی ایجاد کند و این امر زمانی محقق می شود که اعضای هیأت علمی به عنوان یکی از دو عامل اصلی دانشگاه، دارای روحیه علمی و انگیزه خدمت رسانی باشند. بنابراین، پیشنهاد می شود ضمن انجام اقدامات بنیادی در خصوص تغییر در شیوه آموزش سنتی موجود، در جذب استادان، افرادی که دارای روحیه علمی و دانش پژوهی هستند در اولویت قرار گیرند و از سوی دیگر، تدابیری نیز برای رفع مشکلات و تنگناهای اقتصادی اعضای هیأت علمی اتخاذ گردد.

۴. مشخص نبودن حداقل قابلیت‌های علمی و عملی برای فارغ التحصیل شدن: در نظام آموزش عالی گرفتن حداقل نمره قبولی پیش شرطی برای اخذ مدرک فارغ التحصیلی است. شرایط نامساعد اشتغال از یک طرف و تمیز قائل نشدن بین فارغ التحصیلان از نظر توانمندی علمی و عملی در زمان جذب از طرف دیگر، سبب بی انگیزه شدن و از بین رفتن علاقه مندی جمع کثیری از دانشجویان به ویژه در مقطع کارشناسی به فراگیری دروس نظری و فعالیت‌های عملی شده است. این شرایط سبب پرورش و تولید فارغ التحصیلانی می شود که دارای روحیه علمی نیستند و در عین ناتوانی در کسب مدارج علمی بالاتر، روحیه کارآفرینی و یافتن کسب و کار مناسب را ندارند.

تجربه برگزاری امتحان جامع و ارزیابی دانشجویان در برخی رشته‌ها (رشته‌های پزشکی) و مشروط شدن ادامه تحصیل آنان به اخذ نمره قبولی، سبب ورود متخصصان و پزشکانی به جامعه شده که هم در بحث خدمات درمانی و هم در ادامه تحصیل موفقتر بوده اند. بنابراین، ضروری است همان طور که برای هر درس سرفصل آموزشی به صورت استاندارد تعریف شده، معیارهایی نیز برای ارزیابی فارغ التحصیلان به منظور مشخص کردن حداقل دانش نظری و توان عملی آنان به صورت استاندارد برای هر رشته تحصیلی تعریف شود و براساس آن فارغ التحصیلان ارزیابی شوند.

۵. عدم آشنایی اعضا هیأت علمی با فرآیندها و نحوه انجام امور در واحدهای تولیدی و خدماتی مرتبط با رشته تحصیلی فارغ التحصیلان: عدم آشنایی اعضای هیأت علمی با فرآیندهای عملی انجام امور اجرایی مرتبط با رشته تحصیلی دانشجویان به چند عامل ارتباط دارد:

- در فرآیند چند ساله پرورش یک عضو هیأت علمی به علت فقدان ارتباط موثر بین دانشگاه با واحدهای مرتبط به رشته تحصیلی دانشجو و عدم امکان ایجاد واحدهای مشابه محیط‌های کاری در دانشگاهها زمینه آشنایی دانشجویان با مهارت‌های فنی و عملی مهیا نمی شود.

- کم اهمیت تلقی شدن واحدهای درسی عملی، عملیات دانشجویی، دروس آزمایشگاهی و کارگاهی و به ویژه دوره‌های کارآموزی و پروژه‌های درسی، حاکم بودن روابط و تفاوت قائل نشدن بین فارغ التحصیلان تلاشگر و فعال علمی با سایر افراد به هنگام جذب و عدم توجه به توانمندی‌های فنی و عملی آنها.

پیشنهاد می شود در داخل دانشگاه نیز به منظور آشنایی بیشتر اعضای هیأت علمی با فعالیت بخش‌های مرتبط با تخصص آنها، با اهمیت تلقی کردن پروژه‌ها و واحدهای عملی درسی و دوره‌های کارآموزی، تعیین ضوابط جدید برای پذیرش

همایش ملی اقتصاد معاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

دانشجویانی متناسب با رشته تحصیلی و مطرح شدن سطح اطلاعات و آگاهی عملی و کاربردی در جذب و ارتقای اعضای هیأت علمی اقداماتی صورت پذیرد.

۶. فقدان زمینه مناسب برای آموزشهای علمی - کاربردی: در حال حاضر در دانشگاهها انتقال دانش بیشتر به صورت نظری و در قالب تعاریف، تئوری ها و اصول در کلاس انجام می پذیرد و به واحدهای عملی نیز اهمیت چندانی داده نمی شود. علی رغم ایجاد برخی رشته ها در دانشگاه جامع علمی - کاربردی و همچنین ایجاد مراکز آموزش علمی - کاربردی با همکاری و سرمایه گذاری موسسات، واقعیت این است که بسترسازی مناسبی برای اجرای برنامه های آموزشی علمی - کاربردی صورت نگرفته و بعضاً دچار بیماری تئوری زدگی شده اند.

فقدان زمینه مناسب برای علمی - کاربردی کردن آموزش در دانشگاهها از سه بعد قابل بررسی است.

الف - عدم برنامه ریزی در نظام آموزش عالی برای تأمین، تربیت و جذب نیروی متخصص مربی

ب - کمبود بودجه دانشگاهها در تأمین فضا، تأسیسات، تجهیزات، امکانات و وسایل کمک آموزشی، اردوها و بازدیدهای علمی

ج - بی انگیزگی دانشجویان برای فراگیری دروس عملی به دلیل عدم اطمینان به موثر کاربردی بودن واحدهای عملی در زمان کاریابی یا در حین اشتغال. بنابراین، پیشنهاد می شود با توجه به نیاز به سرمایه گذاری برای اجرای برنامه های آموزش علمی - کاربردی، دولت و به ویژه سازمان مدیریت و برنامه ریزی عنایت بیشتری به بودجه بخش آموزش داشته باشند و درصدی از درآمد یا سود بخشهای مختلف جامعه را که مصرف کننده ستاده های نظام آموزشی هستند به دانشگاهها به منظور تأمین امکانات و تجهیزات لازم اختصاص دهند.

۹. ناکارآمدی اعضای هیأت علمی در تربیت نیروی متخصص مورد نیاز جامعه: زمانی که بحث تربیت مطرح می شود هدف هدایت دانشجویان است. به عبارت دیگر، استادان باید در ابعاد مختلف فکری، احساسی، اخلاقی، معنوی، اجتماعی و حتی سیاسی دانشجویان را هدایت کنند. اما آنچه که در حال حاضر در بیشتر کلاسهای درس و در سطوح مختلف در دانشگاهها مشاهده می شود انتقال مطالب علمی و نظریه های از پیش ثابت شده یا نکات خاصی از ذهن استاد به ذهن دانشجو است که پس از اتمام فرآیند انتقال اگر استاد بدون توجه به بی علاقگی دانشجویان، برانجام امتحان یا پرسش و پاسخ در جلسات بعد تأکید ورزد دانشجو ناگزیر به مطالعه و حفظ مطالب به منظور پاسخگویی می شود و اگر تراکم زیاد جمعیت کلاس درس و محدودیتهای زمانی مانع از اجرای پرسش و پاسخ یا ارزیابی توسط استاد شود حفظ کردن مطالب فقط در زمان امتحانات صورت می پذیرد.

در بررسی علل ناکارآمدی اعضای هیأت علمی با توجه به هدفهای آموزش عالی نقش سه عامل برجسته تر به نظر می رسد.

الف - ضعف سیستم تحصیلات تکمیلی آموزش عالی در ارتقای سطح علمی دانشجویان

ب - ضعف آموزش عالی در تجهیز اعضای هیأت علمی به اصول روانشناختی و تربیتی و شیوه های نوین تدریس

ج - تراکم بیش از حد دانشجو در کلاسها و عدم رعایت استانداردهای آموزشی. به طور کلی می توان گفت اگر اعضای هیأت علمی دارای روحیه علمی، اهل مطالعه، توانمند و آشنا به مباحث روز رشته تخصصی خود باشند و از طرفی نسبت به

همایش ملی اقتصاد معاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

شیوه های نوین تدریس آگاهی کافی داشته باشند مطمئناً در تدریس موفق بوده و اهداف تربیتی تا حدودی زیادی در دانشگاه محقق خواهد شد.

بنابراین، آموزش عالی باید نسبت به شناسایی و جذب افراد مستعد و نخبه اقدام کرده و سیاستها و برنامه هایی را برای آشنایی آنها با اصول و فلسفه تعلیم و تربیت و شیوه های نوین تدریس، تحقیق و شیوه آموزش مبانی علوم تدوین و اجرا کند.

مطرح نبودن مسائل علمی و پژوهشی به عنوان اولویت اول در دانشگاه: تحت تأثیر شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه برخی از اعضای هیأت علمی نگرش اقتصادی به کار داشته و بیشتر در پی کسب درآمد هستند، تعدادی هم با هدف کسب قدرت و جایگاه اجتماعی بالاتر به تصدی گری امور و در اختیار گرفتن مدیریتها و عضویت در احزاب، تشکلهای انجمنهای مختلف اقدام می کنند و برخی هم با نیت اصلاح امور و خدمت رسانی به مردم و محرومان جامعه وارد فعالیتهای سیاسی و اجتماعی شده از فعالیتهای علمی و پژوهشی باز می مانند.

دانشجویان به عنوان عامل دیگر تشکیل دهنده دانشگاه با انگیزه هایی چون فراهم شدن زمینه اشتغال در آینده، ارضای تمایلات و هیجانان روحی و گاهی هم به منظور مطرح شدن در بین دانشجویان به فعالیتهای سیاسی و دیگر فعالیتهای دانشجویی غیردرسی می پردازند و البته برخی هم با قرار گرفتن در فضای باز دانشگاه اسیر ارضای تمایلات نفسانی خود می شوند. در هر صورت در سنوات اولیه به علت عدم آگاهی کافی و غلبه هیجانان و احساسات بر منطق، قسمت عمده انرژی دانشگاهیان صرف انجام فعالیتها و درگیریهای سیاسی و دیگر فعالیتهای اجتماعی، شخصی غیردرسی و غیرعلمی می شود و این امر سبب می گردد مسائل آموزشی و پژوهشی در دانشگاه به عنوان اولویت اول مطرح نباشد.

بنابراین، پیشنهاد می شود ترتیبی اتخاذ گردد که دانشگاهها در جایگاه اصلی خود به عنوان مراکز مستقل تولید کننده دانش و علم قرار گیرند و حریمی برای آنها تعریف شود که مانع از نفوذ، سوء استفاده و بهره برداری سیاسی گروههای ذی نفوذ شود.

عوامل بیرونی:

عوامل بیرونی شامل کلیه مواردی می شوند که بر اشتغال فارغ التحصیلان به طور مستقیم و غیرمستقیم تدثیر گذاشته و مانع از جذب آنها در بازار کار می گردند. مهمترین عوامل بیرونی در ذیل آورده شده اند.

۱. مشخص نبودن و رواج نیافتن فرهنگ کاریابی: علیرغم تحولات فرهنگی - اجتماعی جامعه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هنوز بافت سنتی در بیشتر مناطق کشور حاکم بوده و اشتغال در سازمانهای دولتی و کسب مشاغل لوکس اداری، اشتغال به کار در پایتخت و مراکز استانها، اشتغال در شهرهای خوش آب و هوا، اشتغال در شرکتهای پردرآمد با مزایای بالا و یافتن شغل مناسب در شهر محل سکونت به منظور نزدیک بودن به خانواده از معیارهایی هستند که معمولاً فارغ التحصیلان جامعه ما در زمان کاریابی به آنها توجه دارند و به آنها اولویت می دهند و خانواده ها بر یافتن شغل دولتی در محل سکونت برای فرزندان شان و حفظ خانواده به شکل هسته ای با هدف تأمین امنیت خانواده تأکید می ورزند.

بهاش ملی اقتصاد معاومتی "جالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

مجموعه این عوامل و دیگر متغیرها باعث تراکم فارغ التحصیلان بیکار در یک منطقه و اشتغال بی سوادان و غیرمتخصصان در مناطق دیگر به دلیل عدم حضور نیروهای متخصص شده است. هر چند بیکاری و فشار اقتصادی شدید باعث مهاجرت فارغ التحصیلان برای یافتن شغل خواهد شد لیکن پیشنهاد می شود ضمن ترویج و توسعه فرهنگ کارآفرینی در دانشگاهها و تشویق کارآفرینان، دولت در مناطق محروم و دورافتاده و بدآب و هوا تسهیلاتی را فراهم آورد تا فارغ التحصیلان با این امید که پس از چندسال کار با سرمایه مناسب می توانند به محل مورد علاقه خود بازگردند به دنبال کاریابی در این مناطق باشند.

۲. عدم توسعه بنگاههای کاریابی خصوصی: پس از پیروزی انقلاب اسلامی علی رغم تمهیدات در نظر گرفته شده در قانون اساسی در خصوص تقسیم ساختار اقتصادی ایران به سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی متأسفانه به دلیل سوء استفاده بخش خصوصی در شرایط بحرانی سالهای اولیه به ویژه در زمان جنگ و تمایل نیروهای ذی نفوذ به در اختیار گرفتن انحصاری کردن خدمات در بخش دولتی با هدف افزایش قدرت نفوذ خود، به بیشتر دولتی شدن امور منجر گردید که این قضیه اشتغال را نیز تحت تأثیر قرار داده و آن را دولتی کرد. این موضوع امکان فعالیت و قدرت رقابت بنگاههای کاریابی خصوصی را سلب کرد و مانع ایجاد و توسعه این بنگاهها گردید.

عدم کارایی بخش دولتی و ضرر و زیانهای وارده به کشور و تحولات ایجاد شده در اقتصاد جهانی توجه مسئولان را به خصوصی سازی بخشهای اقتصادی معطوف ساخته است. اما وجود قوانین و ضوابط اداری دست و پاگیر، قانون کار و برخی قوانین بیمه ای همچنان موانعی را در مسیر ایجاد و توسعه واحدهای تولیدی و بنگاههای اقتصادی کوچک و بزرگ قرار داده و موجب کاهش جابجایی و جایگزینی نیروی کار در بین بخشهای مختلف اقتصادی جامعه و به حداقل رسانیدن فعالیت بنگاههای کاریابی خصوصی و نهایتاً تعطیلی آنها به دلیل غیراقتصادی بودن فعالیتهاشان می شود.

بدین خاطر همگام با خصوصی سازی بخشهای مختلف اقتصادی و به تناسب آن باید اصلاحاتی نیز در قوانین و مقررات مربوط به نحوه جذب و نگهداری نیروی کار نیز به وجود آید تا امکان فعالتر شدن بنگاههای کاریابی خصوصی فراهم گردد.

عدم توسعه کانونهای فارغ التحصیلان و ناکارآمدی آنها در کاریابی و هدایت شغلی: پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به ویژه در دهه ۶۰ کانونها، انجمنها و تشکلهای مختلفی از جمله کانونهای فارغ التحصیلان با هدف افزایش قدرت نفوذ و حضور فعال تر تحصیل کرده ها در جامعه و ایجاد بستر مناسب برای فراهم آمدن زمینه اشتغال اعضای آنها تأسیس شدند. بررسی اجمالی چگونگی ایجاد و روند کار این نهادهای غیردولتی نشان می دهد در گذشته، جامعه و به ویژه برخی از مسئولان توانایی پذیرش قدرت نمایی چنین نهادهایی را نداشته اند و از سوی دیگر، اعضا دارای تجربه کافی در زمینه فعالیتهای تشکیلاتی و مشارکتی نبودند که این امر سبب اختلال در روند فعالیت کانونها شده و با گذشت زمان و تحت تأثیر تغییر و تحولات جامعه، کارکرد این کانونها تغییر یافته بعضاً منحل و برخی نیز در حالت رکود و با حداقل فعالیت به راه خود ادامه داده اند.

همایش ملی اقتصاد معاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

امروزه با ایجاد نهادهای غیردولتی جدید مانند سازمانهای نظام مهندسی کشاورزی و دیگر رشته های کاری عملاً فارغ التحصیلان جذب این گونه سازمانها می شوند و این سازمانها با توجه به ابزارهایی که در اختیار دارند می توانند در بسترسازی برای اشتغال اعضای خود به نحو موثرتری فعالیت کنند.

۴. تعدد متقاضیان و رقابت شدید برای کسب مشاغل موجود: عدم توجه به روستاها و مناطق محروم توسط رژیم پهلوی به گسترش بی سواد و فقر فرهنگی در این مناطق منجر شد. ضرورت ارتقای سطح فرهنگی، شعار محرومیت زدایی انقلابیون و تمرکززدایی دولت، انتظار مردم از دولت برای توسعه همه جانبه مناطق، شعار انجام اقدامات عمرانی و توسعه ای فعالان سیاسی در مناطق مختلف، حکومت مرکزی و به ویژه وزارت فرهنگ و آموزش عالی را مجبور ساخت نسبت به توسعه آموزش عالی و تأسیس مراکز آموزشی در مراکز استانها و برخی از شهرستانها اقدام کند که این امر به افزایش تعداد فارغ التحصیلان منجر گردید.

از سوی دیگر، تمرکز سازمانها، صنایع و بنگاههای اقتصادی کوچک و بزرگ در کلان شهرها و مراکز استانها سبب شد فارغ التحصیلان سایر مناطق با تصور یافتن مدینه فاضله راهی این شهرها شده و با اضافه شدن به دیگر متقاضیان کار عرصه رقابت را تنگتر و فشرده تر کنند. ضمن اینکه محدود بودن تعداد فرصتهای شغلی و وجود تعداد زیاد متقاضیان کار، باعث ایجاد رقابت شدید بین آنها شده است. بنابراین، دولت باید در واگذاری امتیاز تأسیس بنگاههای اقتصادی کوچک و بزرگ، ضمن در نظر گرفتن سایر شرایط توجه بیشتری به تعداد فارغ التحصیلان بیکار مناطق مختلف داشته باشد.

۵. رواج نیافتن فرهنگ کارآفرینی و کم بودن تعداد کارآفرینان: وجود جمعیت عظیم جوان و تحصیلکرده اما بیکار در سطح جامعه، از یک طرف به عنوان سرمایه اقتصادی و از طرف دیگر به عنوان تهدیدی جدی و بالقوه در ایران مطرح است. متأسفانه علی رغم اهمیت و نقش کارآفرینی، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به علت دولتی شدن امور و مشکلات و تنگناهای دولت، مقوله کارآفرینی مورد توجه نبوده، لذا فرهنگ کارآفرینی رواج چندانی نیافته و به عبارتی ناشناخته مانده است.

از دیدگاه بسیاری از صاحب نظران، کارآفرینی موتور توسعه اقتصادی جامعه است. بنابراین، حذف موانع دولتی موجود در مقابل فعالیتهای تولیدی و اجرای سیاستهای تشویقی و حمایتی از کارآفرینان و فراگیر شدن فرهنگ کارآفرینی می تواند این تهدیدها را به فرصت تبدیل کرده و به تحول اقتصاد ملی ایران منجر شود.

از سوی دیگر، بررسی اجمالی کشورهای صنعتی و فراصنعتی نشان می دهد که بخش عمده ای از برنامه های آموزشی دانشگاهها در این کشورها به آموزش کارآفرینی اختصاص دارد. وجود بیش از ۵۰ دانشگاه در آمریکا، ۴۲ دانشگاه در آلمان، ۱۰ دانشگاه در لهستان و ۳ دانشگاه در سوئد... که در آنها کارآفرینی و مدیریت واحدهای کوچک اقتصادی تدریس می شود حاکی از درک نقش کارآفرینی و اهمیتی است که در این کشورها برای کارآفرینان در فرایند توسعه اقتصادی قائل می شوند.

در ایران نیز طی دو سال اخیر نسبت به ایجاد مراکز کارآفرینی در بیش از ۱۵ دانشگاه اقدام شده که به جز چند دانشگاه بقیه فعالیت چندانی نداشته اند که این امر حکایت از عدم توفیق دولت در فرهنگ سازی در این زمینه می کند. بنابراین،

دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

بهائش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها"

برای فراگیر شدن فرهنگ کارآفرینی، باید تغییراتی در سیستم آموزشی و محتوای دروس مدارس و دانشگاهها داده شود و افرادی در رأس امور قرار گیرند که علاقه مند به ایجاد و توسعه فعالیتهای تولیدی بوده و شرایط مناسب را برای ظهور کارآفرینان فراهم سازند.

۶. وجود مشکلات اجرایی در پیاده کردن سیاستها و برنامه های کلان اشتغال کشور: ارزیابی برنامه های اشتغال زایی دولتهای گذشته در ایران نشان می دهد علی رغم تلاش و جدیت آنها در تدوین برنامه های بلندمدت اشتغال، این برنامه ها مانند سایر برنامه های اقتصادی- اجتماعی در اجرا با مشکلات متعددی مواجه بوده است که این عدم موفقیت از چند بعد قابل بررسی است:

الف. نحوه تدوین سیاستها و خط مشی ها:

بررسی اجمالی نحوه تصمیم گیری و خط مشی گذاری در کشور، وجود ناهماهنگی و اختلاف نظر بین قانونگذار و مجری را نشان می دهد. تمرکز تصمیم گیری در پایتخت و مجرب نبودن بدنه کارشناسی دولت مرکزی مانع از بررسی دقیق و کالبد شکافی مسائل و توجه به واقعیتهای محلی و منطقه ای توسط کارشناسان می شود. لذا بعضاً تصمیمها و برنامه هایی اتخاذ و تدوین می شوند که با توجه به شرایط زمانی و مکانی قابل اجرا نبوده و یا اجرای آن با مشکل مواجه است.

ب. عدم نظارت و ارزیابی در اجرای برنامه ها:

فقدان نظارت یا نظارت کم بر اجرای دقیق برنامه ها شرایط را برای سوء استفاده مجریان و بنگاههای اقتصادی فراهم آورده است. ضمن اینکه عدم اجرای ارزیابیها، نقاط ضعف خط مشی ها را به تصویر نمی کشد و قانونگذار از نتیجه تصمیم های خود مطلع نشده و نسبت به رفع نواقص اقدامی صورت نمی گیرد و همچنان مشکلات در اجرای برنامه ها باقی می ماند.

نتیجه گیری :

با توجه به تعدد عوامل موثر بر اشتغال فارغ التحصیلان باید برای حل این معضل از کلیه سازمانهای مرتبط به منظور تهیه و اجرای یک طرح جامع و فراگیر در زمینه اشتغال استفاده شود. آنچه که در تدوین طرح فوق باید مدنظر قرار گیرد توجه به عوامل اصلی موثر بر اشتغال فارغ التحصیلان آموزش عالی و مسئولیت دادن به سازمانهای مرتبط با آن است.

در این مقاله، برخی از عوامل موثر بر اشتغال فارغ التحصیلان آموزش عالی مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به بررسی های به عمل آمده و مباحث مطروحه موارد زیر به عنوان نتیجه گیری و همچنین به عنوان یک چهارچوب بنیادی برای تدوین طرح جامع اشتغال فارغ التحصیلان آموزش عالی ارائه می گردد.

- در بخش تأمین اجتماعی و رفاه عمومی به نحوی برنامه ریزی شود که افراد فقط با هدف کسب علم و دانش وارد دانشگاه شوند.

- ظرفیت پذیرش دانشجو براساس نیاز آینده بازار کار به نیروی متخصص تعیین شود.

- مجوزهای ایجاد رشته های تحصیلی در دانشگاه موقتی باشد و متناسب با زمان و شرایط تغییر کند.

- سرفصلهای دروس دوره های آموزشی براساس زمینه های شغلی مرتبط بازمینی و تنظیم شوند.

- بین سرفصل دروس با شرایط احراز مشاغل مورد نظر هماهنگی و همسویی ایجاد شود.

دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

بهائش ملی اقتصاد معاومتی "جالشها، واقعیتها، راهکارها"

- اقدامات بنیادی در خصوص تغییر در شیوه آموزش موجود انجام گیرد.
- جذب استادان دارای روحیه علمی و دانش پژوهی در اولویت قرار گیرند و از سوی دیگر، تدابیری نیز برای رفع مشکلات و تنگناهای اقتصادی اعضای هیأت علمی اتخاذ گردد.
- برای ارزیابی فارغ التحصیلان، معیارهایی که نمایانگر حداقل دانش نظری و توان عملی آنان هستند به صورت استاندارد برای هر رشته تحصیلی تعریف شود.
- ارتباط دانشگاه با بخشهای اجرایی تقویت گردد.
- در پذیرش دانشجویان، متناسب بودن شرایط دانشجویان با رشته تحصیلی مدنظر قرار گیرد.
- بودجه بخش آموزش عالی تقویت شود و درصدی از درآمد یا سود بخشهای مختلف جامعه که مصرف کننده ستاده های نظام آموزشی هستند به دانشگاهها به منظور تأمین امکانات و تجهیزات لازم اختصاص داده شود.
- آموزش عالی باید سیاستها و برنامه هایی را برای شناسایی و جذب افراد مستعد و نخبه و آشنایی آنها با اصول و فلسفه تعلیم و تربیت و شیوه های نوین تدریس، شیوه های تحقیق و شیوه آموزش مبانی علوم تدوین و اجرا کند.
- دانشگاهها و مراکز آموزشی در جایگاه اصلی خود قرار گیرند و حریمی برای آنها تعریف شود که مانع از نفوذ، سوء استفاده و بهره برداری سیاسی گروههای ذی نفوذ گردد.
- ترویج و توسعه فرهنگ کارآفرینی در دانشگاهها و تشویق کارآفرینان.
- فراهم آوردن تسهیلات در مناطق محروم دورافتاده و بد آب و هوا به نحوی که فارغ التحصیلان به دنبال کاریابی در این مناطق باشند.
- انجام اصلاحات در قوانین و مقررات مربوط به نحوه جذب و نگهداری نیروی کار به منظور فراهم آوردن امکان فعالیت بنگاههای کاریابی خصوصی.
- استفاده از توانمندیهای نهادهای غیردولتی جدید مانند سازمانهای نظام مهندسی کشاورزی، در بسترسازی برای اشتغال فارغ التحصیلان.
- برنامه ریزی برای ایجاد مراکز کارآفرینی و حرکت دولت برای فرهنگ سازی در این زمینه.
- نظارت بر اجرای دقیق برنامه ها به نحوی که از سوء استفاده مجریان و بنگاههای اقتصادی جلوگیری به عمل آورده و امکان اجرای سلیقه ای برنامه های اشتغال را از مجریان سلب کند.
- از دیگر سو، اشتغال برآیند همه فعالیت های اقتصادی دستگاههای مختلف بوده و در حال حاضر نیز فصل مشترک عمده ترین دغدغه های دستگاههای اقتصادی و اجرایی مملکت است. در تمامی دوره های بعد از انقلاب، بیکاری فصل مشترک دغدغه های دستگاههای مختلف دولتی بوده است اما در دولت فعلی این مسئله به صورت بسیار جدی مورد توجه تمامی دستگاه ها بوده و ایجاد اشتغال از محوری ترین فعالیت های آنها به شمار می رود. در حقیقت نمی توان متولی امر اشتغال را، بنگاه های اقتصادی خصوصی دانست، زیرا حل این مسئله نیازمند تعامل و همکاری تمامی دستگاه ها می باشد. اشتغال

همایش ملی اقتصاد معاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

برآیند بازارهای چهارگانه: بازار سرمایه، بازارهای پولی و مالی، بازار کالا و بازار کار است و چنانچه این بازارها هر کدام در درون خود و در تعامل با سایر بازارها عملکرد خوبی نداشته باشند، مشکل اشتغال به قوت خود باقی خواهند ماند. علاوه بر شناسایی موانع سرمایه گذاری، مرتفع نمودن موانع تولید نیز از اهم مواردی است که باید در کانون توجه سیاست گذاران قرار گیرد، در غیر این صورت بعد از دوره کوتاه مدتی به دلایل عدم دسترسی به بازارهای فروش داخلی، منطقه ای و جهانی، سرمایه گذاری های موجود دچار مخاطرات جدی و سرمایه گذاران در آستانه ورشکستگی قرار خواهند گرفت. به این ترتیب فرصت های شغلی زیادی از بین رفته و منابع مالی و انسانی زیادی دچار ضرر و زیان های غیر قابل مشاور وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی توسعه کارآفرینی را مهمترین پیش نیاز اشتغالزایی عنوان کرد و از ایجاد مهد کودک ها، مدارس و دانشکده های کارآفرینی در سطح کشور برای تحقق این مهم خبر داد.

منابع و مآخذ

۱. احمدپور داریانی، محود (۱۰۹۰)، کارآفرینی، تهران شرکت پردیس ۵۹.
۲. عاصمی پور، محمدجواد، (۱۰۹۷)، بررسی نظام آموزشهای علمی - کاربردی و تأثیر آن بر بهره وری. مجموعه مقالات دومین همایش بررسی و تحلیل آموزشهای علمی کاربردی ص ۵۵.
۳. مکنون، رضا، (۱۰۰۰)، راهبرد آموزش عالی، اشتغال و توسعه کشور، مجموعه مقالات کنگره راهبردی توسعه علمی ایران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ستاد پیشبرد علوم ایران ۱۴۰۰.
۴. نصیری قیداری، حسن، (۱۰۰۱) بستر سازی کارآفرینی، ماهنامه بازاریابی، شماره ۲۲، ص ۲.
۵. علی نظری کتولی: کارشناس ارشد مدیریت دولتی و کارشناس امور اداری دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان.
۶. دکتر رامین رحمانی: استادیار دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان.